اخبار حادثه

قتل پیرزن تنها در خانه‌اش

شرق: پلیس تحقیقات خود را درباره قتل پیرزن ۷۰ساله‌ای که جسدش صبح دیروز در خانه‌اش در بومهن کشف شد آغاز کرد. ساعت ۱۰ صبح دیروز داماد این زن وقتی به خانه او آمد، با جسد او روبه‌رو شده و موضوع را به پلیس اطلاع داد. پس از اطلاع، گروهی از ماموران کلانتری ۲۰۶ بومهن برای بررسی موضوع در قتلگاه زن تنها حاضر شدند. ماموران در تحقیقات اولیه خود پی بردند که جسد متعلق به زن ۷۰ساله‌ای به نام شهربانو است که بر اثر اصابت ضربه‌های متعدد چاقو به بدنش به قتل رسیده است. به این ترتیب ماموران دایره دهم پلیس آگاهی و بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تحقیقات خود را آغاز کردند.

شناسایی باند قاچاق دختران فراری به خارج از کشور

ایسنا: اعضای باندی که با اغفال دختران فراری آنها را به خارج از کشور قاچاق می‌کردند در کاشمر شناسایی شدند. به دنبال گشت‌زنی نیروهای مرکز امر به معروف و نهی از منکر در محدوده امام‌زاده سید مرتضی، ماموران متوجه روابط نامشروع چند تن شدند، از این رو اقدام به دستگیری آنها کردند. با انتقال متهمان به مقر و انجام بررسی‌های پلیسی مشخص شد این افراد با یک باند فساد و فحشا ارتباط دارند. تحقیقات بعدی پلیسی در خصوص فعالیت اعضای این باند نشان داد که این افراد پس از شناسایی و اغفال دختران فراری، اقدام به قاچاق آنها به خارج از کشور می‌کنند. بدین ترتیب بررسی‌های تکمیلی پلیس برای دستگیری اعضای این باند ادامه دارد.

آویزان شدن از خودرو شیوه جدید اخاذی

شرق: پلیس موفق شد دو مرد جوان را که با آویزان شدن از برخی خودروهای شهروندان تهرانی موجبات رعب و وحشت رانندگان را فراهم و از آنان اخاذی می‌کردند، دستگیر کند. ساعت ۵ بعدازظهر پنجشنبه ماموران کلانتری ۱۳۵ آزادی تهران حین گشت‌زنی در زیرگذر شرقی آزادی مشاهده کردند دو نفر با آویزان شدن از خودرو برای شهروندان ایجاد رعب و وحشت کرده و بدین گونه اقدام به اخاذی می‌کنند. شگرد آنها ابتدا به این ترتیب بود که با ایستادن در زیرگذر به محض کند شدن سرعت خودروها از آنها آویزان شده و از سرنشینان پول می‌گرفتند. این در حالی بود که راننده یک دستگاه خودرو پراید با توجه به حمله این دو تن به هویت‌های «حسین» و «سیامک» به سمت خودرو، کنترل خود را از دست داده و با جدول کنار خیابان برخورد کرد که خساراتی بر جای گذاشت. با دستگیری متهمان و انتقال آنها به محل کلانتری، تحقیقات پلیسی در خصوص ارتکاب جرم این افراد ادامه دارد.

آزمایش فیزیک مرگبار در بنگلادش

پلیس خبر: یک معلم بنگلادشی ۱۰۰ نفر را قربانی آزمایش فیزیکش کرد. در این انفجار که در یکی از دهکده‌های بنگلادش رخ داد ۱۰ نفر کشته و ۹۰ نفر مجروح شدند. ماجرا از این قرار بود که آزمایشگاه یک معلم فیزیک که در حال ساخت یک موتورپمپ کم‌مصرف بود ناگهان منفجر شد. استفاده از نوعی موتور نامرغوب و نامناسب برای ساخت این پمپ موجب وقوع انفجار شده است. براساس این گزارش، چهار نفر از قربانیان در دم تلف شدند و شش نفر در راه انتقال به بیمارستان جان باختند. هنوز تحقیقات در ارتباط با نحوه وقوع حادثه همچنان ادامه دارد.

خودکشی از بالای زیرگذر میدان آزادی

شرق: مردی ۴۵ ساله شامگاه پنجشنبه خود را از بالای زیرگذر میدان آزادی به پایین پرت کرد. این حادثه ساعت ۹ شب پنجشنبه (۱۵ اردیبهشت‌ماه) رخ دادوطی آن مردی حدوداً ۴۵ ساله در پی ایجاد ترافیک در این مسیر و عدم توجه عابران حاضر در محل، به بالای زیرگذر شرقی میدان آزادی رفته و در حالی که دقایقی محدوده را مورد نظر قرار داده بود، در فرصتی مناسب از بالای زیرگذر خود را به پایین پرتاب کرد. پس از حضور پلیس مشخص شد متوفی هیچ مدارک هویت یا نوشته‌ای که در آن انگیزه ارتکاب به این عمل را بیان کرده باشد، به همراه نداشته است. تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

باند ساواکی در تهران متلاشی شد

پلیس خبر: سه نفر از اعضای شرور باندی معروف به «ساواکی» به اتهام ایجاد شرارت و تهیه مشروبات الکلی در منطقه ابوذر تهران دستگیر شدند. در پی گزارش‌های متعدد مردمی مبنی بر رفت و آمدهای مشکوک به منزلی واقع در خیابان بهبودی از سوی چند تن از عوامل تهیه و توزیع مواد افیونی، ماموران پلیس کلانتری ۱۶۱ با هماهنگی مقام قضایی تحقیقات گسترده‌ای را در این زمینه آغاز کردند. ماموران با دستگیری سه نفر به نام‌های بهزاد، اصغر و پرویز در بازرسی از مخفیگاه این منزل مقدار ۳۰ لیتر مشروبات الکلی، ۱۷۰ گرم حشیش، ۵۵ گرم تریاک، یک فقره چک مسافرتی یکصد هزار تومانی جعلی، هفت دستگاه گوشی تلفن همراه و ۳۰۰ قوطی نیم‌لیتری مشروبات الکلی کشف کردند. تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

توضیح در مورد آتش‌سوزی مترو

شرق: شرکت مترو تهران اطفای آتش‌سوزی در کارگاه ایستگاه متروی در حال ساخت «دردشت رسالت» را رد کرد. بر اساس اعلام آتش‌نشانی محل وقوع این آتش‌سوزی که حدود ساعت ۵/۳۰ بامداد روز یکشنبه رخ داد کارگاه ادامه حفر متروی مسیر «دردشت رسالت» و در سکوی سوخت‌گیری بوده است. شرکت مترو اعلام کرد: «این حادثه در محوطه ایستگاه «دردشت رسالت» نبوده، بلکه در اثر اتصال کابل برق در محوطه کارگاهی، قسمت غربی محوطه و با فاصله زیادی از ایستگاه رخ داده که خسارت وارده بسیار جزیی است.» سازمان آتش‌نشانی اعلام کرده بود در این حادثه آتش از اطراف سکوی مملو از ضایعات کاغذ در پی انداختن ته سیگار روشن روی این مواد سریع‌الاشتعال آغاز شد و به سرعت به منبع گازوئیل سرایت کرد. بر اساس اعلام سازمان آتش‌نشانی تهران در این آتش‌سوزی به هیچ‌کس صدمه‌ای نرسید؛ اما بالغ بر ۲۵ میلیون ریال خسارت مالی به بار آمد.

محکومیت باند ۴ نفره کلاهبرداری

حوادث

گروه اجتماعی: سرکرده باند کلاهبرداری از سوی قاضی صفوی قاضی شعبه ۱۱۴۷ عمومی جزایی به ۷ سال حبس و پرداخت ۴۵ میلیون ریال جزای نقدی محکوم شد. این باند ۴ نفره که همگی سوابق کیفری دارند به اتهام کلاهبرداری، غصب عنوان، جعل و استفاده از پلاک قلابی، سرقت و فرار از زندان بازداشت شده‌اند. آنها فعالیت خود را هنگامی آغاز کردند که مهدی و آرش متهمان ردیف دوم و سوم پرونده با اتمام دوران حبس از زندان آزاد شدند. این چهار نفر پیش از آن در زندان با هم آشنا شده بودند و پس از آزادی دو نفر اول، با وساطت پدر آرش، فرید متهم ردیف اول برای مرخصی از زندان خارج شد و دیگر هیچ‌گاه به آنجا بازنگشت.

متهمان پس از خروج از زندان برای اجرای نقشه سرقت و کلاهبرداری که توسط آرش طراحی شده بود، لباس نیروی انتظامی و چراغ گردان تهیه کردند و در اولین سرقت خود در آبان‌ماه پارسال پرایدی را در خیابان شریعتی متوقف کردند. متهمان پرونده با معرفی خود به‌عنوان مامور نیروی انتظامی از دانشجوی جوانی که سوار بر پراید بود سئوالاتی پرسیده و او را به مزاحمت برای نوامیس مردم متهم کردند اما در بین راه پسر جوان را با زور از ماشین بیرون انداخته و خودرو را سرقت کردند. متهمان خودرو را به خانه منتقل کرده و پلاک جعلی بر روی آن نصب کرده و در انجام سایر سرقت‌ها از آن استفاده کردند.

با اعلام شکایت از متهمان حدود یک ماه‌ونیم بعد ماموران آگاهی اسلامشهر با مشاهده خودروی متهمان به آنها مظنون شده و آنها را تعقیب کردند. متهمان که به فرمان ایست توجه نکرده بودند به سمت خودروی پلیس شلیک و این تعقیب و گریز تا حوالی استادیوم آزادی ادامه یافت و متهمان پس از رسیدن به آنجا خودرو را متوقف کردند و از آن خارج شده و فرار کردند. ماموران هنگامی به آنجا رسیدند که یک ماشین مسروقه، بدون سرنشین در آنجا رها شده بود.

چند روز بعد هم دختر جوانی به پلیس مراجعه کرد و از سرقت خودروی خود خبر داد. او مدتی پیش با خودروی ماکسیمایی تصادف کرده بود که راننده آن متهم ردیف اول پرونده یعنی فرید است. این تصادف و خسارت جزیی ناشی از آن، منجر به آشنایی دختر جوان و فرید شد و آنها هرازگاهی با یکدیگر ملاقات می‌کردند اما در روز حادثه فرید خودروی خود را همراه نیاورده بود و از دختر جوان خواست تا او را برای انجام کاری به آتی‌ساز ببرد. آن دو به آنجا رفتند در حالی که فرید مرتب سعی داشت کلید ماشین را گرفته و خودش رانندگی کند. دختر جوان که دیگر مشکوک شده بود در یک لحظه غفلت از او هنگامی به محل پارک خودرو رسید که دیگر خبری از آن نبود. چند روز پس از اعلام این شکایت مردی به پلیس مراجعه کرد و از سرقت خودروی‌اش در حالی که روشن بود خبر داد. مشخصات سارقان خودرو با مشخصات سارق خودروی دختر جوان انطباق داشت.

اعلام این شکایات و شکایت زنی که فرید با معرفی خود به‌عنوان تاجری ذی‌نفوذ در شرکت ایران‌خودرو، ۴۵ میلیون ریال از او برای ثبت‌نام خودرو دریافت کرده بود، پلیس را به دنبال دستگیری ۴ متهم پرونده روانه کرد. متهمان در این حین خودرویی را در شمال سرقت کرده و البته ویلاهای آنجا هم از دستبرد این باند در امان نماند. بررسی‌ها مشخص کرد سرقتی هم توسط اعضای باند در ایلام انجام شده بود و متهمان پس از انتقال خودرو به تهران از صاحب آن درخواست کردند برای دریافت خودرو به تهران بیاید. با اعلام موضوع به ماموران نیروی انتظامی آنها در محل معامله حاضر شدند و متهم ردیف اول را دستگیر کردند در حالی که مهدی متهم ردیف دوم از ترس به مهران گریخت. با دستگیری سایر اعضای باند سرقت و کلاهبرداری متهم ردیف اول به ۷ سال حبس تعزیری به اتهام سرقت، کلاهبرداری، جعل عنوان و فرار از زندان و پرداخت ۴۵ میلیون ریال جزای نقدی و ۷۰ ضربه شلاق محکوم شد. متهم ردیف دوم به یک سال حبس تعزیری و ۴۰ ضربه شلاق، متهم ردیف سوم به ۲ سال حبس و ۴۰ ضربه شلاق و متهم ردیف چهارم به پرداخت جزای نقدی محکوم شد.

مرگ دختر ۱۰ ساله در اثر شکنجه‌های همسر برادرش

گروه اجتماعی: دختر ۱۰ساله افغانی قربانی شکنجه‌های بی‌رحمانه همسر برادرش شد. این دختر نوجوان که شریفه نام داشت پس از انتقال به درمانگاهی واقع در شورآباد تهران جان خود را از دست داد.

ماجرا از این قرار بود که در واپسین ساعات روز پنجشنبه (۱۴ اردیبهشت‌ماه) زن و مرد جوانی یک دختربچه افغانی به نام «شریفه» را به درمانگاه مذکور منتقل کردند. بدن نیمه‌جان شریفه به خاطر اصابت ضربات جسمی شبیه کمربند یا کابل به شدت آسیب دیده بود و همین امر موجب بیهوشی او شده بود.

به این ترتیب در حالی که حال شریفه بسیار وخیم بود تحت معاینه پزشکان درمانگاه قرار گرفت اما تلاش پزشکان درخصوص بهبودی او موثر واقع نشد و دخترک ۱۰ساله جان خود را از دست داد. مسئولان درمانگاه که به رفتار همراهان شریفه مشکوک شده و آثار ضربات کابل یا کمربند را روی بدن دخترک دیده بودند موضوع را به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اطلاع دادند.

بلافاصله پس از این اطلاع ماموران کلانتری ۱۷۶ حسن‌آباد در درمانگاه حاضر شده و آنها را بازداشت کردند. زوج جوان بازداشت شده خود را برادر و همسر برادر مقتوله معرفی کردند، در حالی که آنها در بازجویی‌ها از چگونگی شکنجه شریفه اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند. گزارش‌های اولیه پزشکی مبنی بر فوت به دلیل ضربات وارده به‌وسیله‌ای شبیه کمربند بر بدن کودک در اختیار ماموران قرار گرفت. در ادامه تحقیقات ظن پلیس به همسر برادر شریفه به نام زهرا ۲۶ساله بیشتر شد و تحقیقات از او ادامه یافت و پلیس متوجه شد شریفه در زمان وقوع حادثه در منزل برادرش بوده است.

از سوی دیگر در تحقیقات مشخص شد زهرا و همسرش با هم دچار اختلاف بوده و از زمانی که شریفه به خانه آنها آمده اختلاف آنان بیشتر شده است. در ادامه رسیدگی به این پرونده زهرا هم موارد فوق را تایید کرد و گفت: به خاطر حضور شریفه در خانه با همسرم اختلاف شدیدی پیدا کرده‌ام. زهرا با وجود بیان این مطلب همچنان از چگونگی شکنجه شریفه اظهار بی‌اطلاعی می‌کرد.

به دستور بازپرس پرونده تحقیقات از زهرا شکل گسترده‌تری به خود گرفت تا اینکه او در بازجویی‌های فنی لب به اعتراف گشود. زهرا در اعترافات خود گفت: شریفه از ۴ سال پیش با ما زندگی می‌کرد. من علاقه‌ای به او نداشتم و به خاطر کوچکترین موضوعی او را کتک می‌زدم. شب حادثه در حالی که همسرم در منزل حضور نداشت با شریفه درگیری لفظی پیدا کرده و بر اثر خشم ناشی از این برخورد با شلنگ و کابل به جان او افتادم و آن‌قدر او را کتک زدم تا یک لحظه متوجه شدم بیهوش شده است. به خاطر همین وقتی همسرم به خانه آمد شریفه را به درمانگاه بردیم. پس از اعترافات زهرا او جهت انجام تحقیقات تکمیلی به اداره آگاهی تهران منتقل شد.

فرمانده ناجا: دستور رئیس جمهور برای حضور بانوان در ورزشگاه‌ها هنوز به نتیجه نرسیده است

گروه اجتماعی: «برای تامین امنیت حضور بانوان در ورزشگاه‌ها هنوز دعوتی از نیروی انتظامی ناجا به‌عمل نیامده است.» فرمانده نیروی انتظامی روز پنجشنبه در حاشیه برپایی همایش نکوداشت مقام اساتید، مدرسان و مربیان ناجا که در ستاد فرماندهی ناجا برگزار شد با بیان مطلب فوق افزود: اصل دستوری که رئیس جمهوری در زمینه ایجاد شرایط حضور بانوان در ورزشگاه‌ها صادر کرده هنوز به نتیجه نرسیده است. سردار اسماعیل احمدی‌مقدم در ادامه با بیان اینکه در هر حال نیروی انتظامی مجری مقررات است، گفت: هر کجا که ضرورت ارائه نظر کارشناسی ناجا ایجاب کند، طبیعتاً نمایندگان و یا کارشناسان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در آن حضور خواهند داشت. وی افزود: در حال حاضر شرایط به گونه‌ای است که شاید تامین امنیت فیزیکی زنان در ورزشگاه‌ها مسئله اساسی نباشد، بلکه حفظ امنیت اخلاقی برای بانوان و همچنین تامین امنیت مسیرهای رفت و برگشت آنها حائز اهمیت است. فرمانده ناجا درباره دستگیری برخی از مجرمان به‌خصوص قاچاقچیان در سطح شهر که بعضاً به کشته یا مجروح شدن ماموران پلیس و یا شهروندان منجر می‌شود، گفت: تا زمانی که قاچاقچیان از سوی شبکه‌های بین‌المللی حمایت شوند، نیروی انتظامی جهت برخورد با آنها نیز ریسک را پذیرفته، چراکه مجبور به مقابله با مجرمان است؛ حال آنکه ماهیت اصلی این تعقیب و گریزها به دستگیری قاچاقچیان و یا مجرمان سابقه‌دار نیز منجر می‌شود. احمدی‌مقدم در پاسخ به این سئوال که «سرنوشت گروگان‌های حادثه تروریستی سیستان و بلوچستان به کجا رسید؟» گفت: تاکنون هیچ گونه گزارشی مبنی بر آزادسازی گروگان‌های حادثه «تاسوکی» در سیستان و بلوچستان به‌دست نرسیده است. وی در ادامه گفت: میزان جرایم در فروردین‌ماه سال‌جاری در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، ۱۲ درصد کاهش یافته است. در صورتی که نرخ کاهش جرایم دو رقمی باشد، معجزه‌ای در کاهش جرایم رخ داده است و امیدواریم تا پایان سال، با کاهش جرایم مواجه باشیم. فرمانده ناجا با بیان این که در سال گذشته نیروی انتظامی موفق به کشف ۱۲ درصدی موادمخدر شده است، اظهار کرد: در حال حاضر کنترل گلوگاه‌ها و مبادی ورودی شهرها در دستور کار ماموران قرار گرفته، تا آنجا که در کاهش ورود قاچاقچیان به داخل شهرها تاثیر بسزایی داشته است. به گفته سردار احمدی‌مقدم، نیروی انتظامی در انجام ماموریت‌هایش برای برقراری امنیت مطلوب سالانه حدود ۱۳۰ شهید در کل کشور می‌دهد. وی افزود: خوشبختانه وضعیت امنیتی کشور نسبت به کشورهای منطقه مناسب است و همواره برای ارتقای امنیت در جایگاه بین‌المللی در تلاشیم. وی در خصوص ارتقای امنیت مرزهای شرقی کشور، گفت: انسداد مرزها و تقویت یگان‌های مرزی تا پایان پاییز، در دستور کار ناجا قرار دارد. احمدی‌مقدم افزود: قرارگاه شرق کشور فعالیت خود را آغاز کرده و هدف و تلاش ما انسداد مرز و ایجاد امنیت پایدار در آن نقاط است و در برقراری امنیت، مردم را نیز مشارکت می‌دهیم. وی در پایان با اشاره به برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده از سوی ناجا در زمینه آموزش، پژوهش و نیز بعد حرفه‌ای‌گری، ابراز امیدواری کرد که در یک روند و تا پایان سال ۱۳۸۶ یک جهش و گام‌های بلندتری در این راستا برداشته شود.

محصور در میان نرده‌ها

عکس: سینا شعبانی، شرق

عکس روز

در ایران از دیدن هیچ پدیده به ظاهر غریبی نباید تعجب کرد، مثل همین چیزهایی که این روزها در قسمت شمالی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران می‌توان دید. آنجا کلاً دو پل عابر پیاده هست برای گذر مردم از بزرگراه چمران اما بر ورودی یکی از این پل‌ها درهای نرده‌ای گذاشته‌اند با قفل و زنجیر! مردم می‌خواهند از پل بگذرند اما به در بسته می‌خورند. خنده‌دارتر این که در آن سوی بزرگراه (شمال به جنوب) ورودی پل بسته نیست و برخی بعد از گذر از پل با در بسته مواجه می‌شوند. اما اگر در را به روی ایرانی‌ها ببندی از پنجره وارد می‌شوند. مثل همین آقایی که تلاش می‌کند از فضای باریک میان نرده‌ها خودش را بیرون بکشد.

اندر مصائب رفتن به یک نمایشگاه فرهنگی

علی‌اکبر قزوینی

امروز پنجشنبه است، ۱۴ اردیبهشت، دومین روز برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران. تا رسیدن به «میعادگاه»، آنچه بیش از همه آزارنده است، ترافیک سنگینی است که در بزرگراه چمران قبل از همت آغاز شده و ماشین‌ها به ناچار میلی‌متری حرکت می‌کنند. گرچه ترافیک‌های سنگین نه درد این روزهای نمایشگاه که مشکل هر روزه ابرشهر تهران است. راننده پراید مسافربر می‌گوید اگر بخواهیم به در اصلی نمایشگاه (در غربی) برویم باید باز هم در ترافیک بمانیم؛ همه مسافران موافقند با توقف در مقابل در شمالی نمایشگاه. این اما تازه آغاز ماجرا است. سرتاسر کناره اتوبان را نرده کشیده‌اند و هیچ امکانی برای رفتن به آن‌سو نیست، مگر پریدن از روی نرده‌های بلند یا گذشتن از فضای کوچک زیر آن در حالتی شبیه سینه‌خیز! عده‌ای به ناچار از این روش‌ها استفاده می‌کنند، حتی زن‌ها. هر چه به سمت شرق می‌روی نرده‌ها تمام نمی‌شوند، تا سرانجام به جایی می‌رسی که نرده‌ها کوتاه‌ترند و پریدن از رویشان راحت‌تر.

آدم‌های فرهنگ‌دوست این مملکت باید به شیوه عصر حجر راه به درون یگانه نمایشگاه ده‌روزه کتاب بیابند. با سینا شعبانی [عکاس] ساعت ۱۲/۳۰ قرار گذاشته بودم اما سه‌ربع ساعت دیرتر از موعد می‌رسم. صف آدم‌هایی که می‌خواهند از تنها پل عابر پیاده راه به آن سوی بزرگراه بیابند، لحظه‌ای کوتاه نمی‌شود. بر دیگر پل عابری که به موازات آن است قفل و زنجیر زده‌اند! باریکه راه پل‌ها تا در نمایشگاه مملو از آدم است اما از دستفروش‌های همیشگی خبری نیست. گویا ماموران سد معبر این بار جدی وارد عمل شده‌اند و می‌توان خوشحال بود که دیگر مجبور نیستیم از میان سی‌دی‌های کپی شده فیلم‌ها، اسباب‌بازی بچه‌ها و کتاب‌های افست شده و اغلب ناقص جن‌گیری و علوم جفر و یا متون ممنوعه، راه به نمایشگاه ببریم. درست آن سوی در شمالی در سمت راست، بیلبوردهای راهنمای سالن‌ها و نقشه‌ای از نمایشگاه نصب شده است. چندساعت اول گویا نقشه‌ها به نمایشگاه نرسیده بود و مردم قلم و کاغذ به دست مقابل این بیلبوردها مشغول یادداشت‌برداری بودند!

...

در نمایشگاه بیش از هر چیز شلوغی به چشم می‌آید، ازدحام آدم‌ها. گل این آدم‌ها را گویا با صف سرشته‌اند که هر جا می‌روی صف است: جلوی کیوسک‌های اطلاع‌رسانی، جلوی یگانه باجه خودپرداز [بانک ملی]، جلوی باجه‌های تلفن، جلوی ایستگاه‌ها فروش بستنی و آب معدنی و ساندویچ‌های گرم و سرد، حتی جلوی WCها...! این همه آدم به نمایشگاه آمده اما امکاناتی پیش‌بینی نشده برای لحظه‌ای نشستن این آدم‌ها. برای همین است که لبه باغچه‌ها، روی سبزه‌ها و حتی داخل جایگاه بزرگ آن سوی آب‌نما، آدم موج می‌زند. ماشین‌های اورژانس و آتش‌نشانی و چادرهای هلال‌احمر هم در جاهای مختلف نمایشگاه مستقر شده‌اند، همین‌طور ایستگاه‌های رادیوتهران و رادیو فرهنگ و یک اتوبوس نقاشی شده که متعلق است به سازمان بازیافت شهرداری و گویا برای بچه‌ها یک مسابقه نقاشی برگزار کرده است. راستی آلبرت اینشتین هم به نمایشگاه تهران آمده! راه به راه می‌توان بیلبوردهای بزرگ موسسات مشهور نشر کتاب‌های کمک‌آموزشی را در محوطه نمایشگاه دید که «آلبرت» هم گویا نماینده انحصاری یکی از همین موسسات است!

...

داخل سالن‌ها اما حکایت دیگری است. به ازدحام آدم‌ها یک تاریکی نسبی را اضافه کنید و گرما را. شاید در میانه حرکت در باریکه راه‌های میان غرفه‌ها گرما کمتر حس شود، کمتر از وقتی که گوشه‌ای ایستاده‌ای به ورق زدن کتاب‌ها و دانه‌های عرق از سر و رویت سرازیر می‌شود. گوشی‌های موبایل هم که با آنتن ظاهراً پر، هیچ کاربردی ندارند. حتی اگر بعد از کلی Connection Error تماس برقرار شود بعید است بتوان دوکلام بدون قطع شدن صدا یا شنیدن صداهای عجیب و غریب صحبت کرد. بیرون سالن‌ها با وجود هوای ابری دم‌کرده این بعدازظهر اردیبهشتی، هنوز نسیمی می‌وزد...

...

برای امروز به اندازه کافی نمایشگاه‌گردی داشته‌ایم و سوژه جمع کرده‌ایم. با سینا شعبانی از خروجی شمالی نمایشگاه و از میان محوطه مینی‌بوس‌ها، تاکسی‌ها و «ون»ها (همراه با تنفس مقادیر قابل توجهی منوکسیدکربن خالص) به آن سوی بزرگراه می‌رویم و به سوی گیشا. در یکی از بازارچه‌های این منطقه، کتابفروشی کوچکی هست که مرد جاافتاده خوش‌برخوردی صاحب آن است. آرام و باحوصله درباره کتاب‌های مختلفی که از او می‌پرسند توضیح می‌دهد و مشتری‌ها را راه می‌اندازد. تقریباً لحظه‌ای نیست که این کتابفروشی کوچک و پرکتاب خالی از مشتری باشد. آقای کتابفروش یک کتاب‌شناس واقعی است و عاشق کارش، و دنجی و فراغ‌بال اینجا را که می‌خواهی با ازدحام سالن‌های بزرگ و غرفه‌های کوچک و به هم چسبیده نمایشگاه مقایسه کنی، می‌بینی اصلاً قابل قیاس نیستند...

...

زیر پل گیشا به انتظار ماشین ایستاده‌ام. پرایدی ترمز می‌زند و روی صندلی عقب می‌نشینم. دو پسر جوان هم با پلاستیک‌های پر از کتاب آنجا نشسته‌اند. یکی از آنها رو به دیگری می‌پرسد: «واقعاً همه این کتاب‌ها را تا سال دیگر می‌خوانی؟»

گزارش کوتاه

حمله سگ ولگرد به دانشجویی در دانشگاه تبریز

ایسنا: جمعی از دانشجویان خوابگاهی دانشگاه تبریز در اعتراض به حمله یک سگ ولگرد به یکی از دانشجویان دختر در محوطه اصلی دانشگاه تجمع کردند. این دانشجویان با حضور در مقابل دانشکده کشاورزی خواستار حضور رئیس دانشگاه شدند. یکی از این دانشجویان گفت: متاسفانه حضور سگ‌های ولگرد در سال گذشته نیز مورد اعتراض دانشجویان قرار گرفت و مسئولین دانشگاه قول دادند سگ‌های ولگرد را از محوطه خوابگاه دختران جمع کنند اما تا کنون کاری در این مورد صورت نگرفته است. دانشجوی دیگری نیز گفت: دانشگاه تبریز بسیار بزرگ است، اما یک آمبولانس برای انتقال بیماران وجود ندارد به نحوی که پس از وقوع این حادثه، دانشجویان فرد مجروح را برای مداوا به بیمارستان امام خمینی(ره) رساندند.

خبر روز

مردمک — ۲۲۰۵۳۳۷۲

یادی از معلمان بازنشسته نشد

طفلان گریزپا را به مدرسه آوردیم، جمعه‌ها نیز درس خواندیم و نوشتیم الفبای عشق را، به دانش‌آموزان آموختیم تا عشقمان همیشه جاوید باشد افسوس که تا مهر بازنشستگی بر حکم ما خورد گویی ما وجود نداشتیم و روز معلم از آن ما نبود. به راستی روز معلم آنقدر احساس غربت و بی‌کسی کردم که دلم شکست. آیا من و امثال من که سال‌های جوانی خود را فدای فرزندان این مرز و بوم کرده‌ایم معلم نبودیم؟ چرا به بهای ارزانی ما را از یاد بردید؟ آیا یادمان روز معلم یعنی تبعیض و بی‌تفاوتی نسبت به نسل گذشته که بنیانگذار امروز بودند؟ شما خود را جای ما بگذارید آیا احساس غربت نمی‌کردید، دلتان نمی‌شکست و آزرده‌خاطر نمی‌شدید؟

حقوق ما کم است

چرا پیمانکاران شرکتی وزارت نفت حقوق ما کارگران شرکتی را طبق قانون کار مصوب ۸۵ پرداخت نمی‌نمایند و حقوق ما را ضایع می‌کنند؟ از مسئولین وزارت نفت می‌خواهیم حتماً به این امر رسیدگی کنند چون حقوق ما که از صبح تا شب کار می‌کنیم بسیار کم است و جوابگوی زندگی‌مان نیست.

کیفیت را بهتر کنید

ضمیمه هفتگی جمعه که به شکل جدید درآمده بسیار خوب و زیبا است و بهتر است از این به بعد نیز به همین شکل چاپ شود ولی بعضی جمعه‌ها حرفی برای گفتن ندارد و از مطالب نویسندگان قوی استفاده نمی‌شود مثل جمعه ۸ اردیبهشت. پس بهتر است کیفیت مطالب بهتر شود ولی به شکل و فرمت آن دست نزنید.

برداشت‌های متفاوت از قانون

اخیراً مصوبه‌ای به تصویب رسیده که کارگران متخصص که به‌صورت قراردادی یا پیمانی مشغول به کار هستند به استخدام رسمی دولت درآیند. این درحالی است که این مصوبه در هیچ سازمان یا نهادی اجرا نمی‌شود مثلاً ما تعدادی از کارگران متخصص در پتروشیمی تبریز هستیم هر بار که این قانون را یادآور می‌شویم می‌گویند ما با پیمانکار طرف هستیم و وضعیت کارگران متخصص و غیرمتخصص نیز به ما ربطی ندارد و پیمانکار نیز اصلاً به این مسئله اعتقادی ندارد بنابراین خواهش می‌کنیم اگر قرار است قانونی تصویب شود به‌صورت کلی و مبهم نباشد بلکه جزءجزء موارد آن مشخص شود تا هر کس با برداشت‌های متفاوت از آن به نفع خود استفاده نکند.

قانون همطرازی چه شد

هیات وزیران در سال ۸۱ تصویب کرد که ۱۲ درصد به حقوق بازنشسته‌های پیش از سال ۷۹ آموزش و پرورش افزوده شود. سازمان بازنشستگی کشوری به‌نام اینکه این ۱۲ درصد را پس از انجام همطرازی به حقوق‌ها اضافه خواهد کرد نه همطرازی را انجام داد نه ۱۲ درصد را پرداخت کرد. چندین نفر با نشان دادن همین حکم، حقوقشان را بر پایه ۱۲ درصد دریافت کردند ما نیز پیش از عید دادخواهی کردیم و همچنان عده‌ای دیگر هر روز دادخواهی می‌کنند. حرف بر سر این است که حال که سازمان بازنشستگی فهمیده که بازنشسته‌ها از این حق‌کشی آگاه شده‌اند چرا باز هم پافشاری می‌کند که همه بازنشسته‌های سالمند حتماً تک‌تک از راه‌های دور خودشان را به دیوان عدالت اداری در خیابان جنوبی پارک‌شهر برسانند و با پرداخت ۱۵۰۰ تومان هزینه تمبر و فتوکپی دادخواهی کنند؟ آیا بهتر نیست حقوق همه بازنشسته‌ها بر پایه ۱۲ درصد به آنها داده شود و زحمت این همه طی مسیر کردن نیز از دوش آنها برداشته شود؟

دردسر گرفتن پول تلفن همراه

برای استرداد پول واریزی تلفن همراه به پست‌بانک جام‌جم مراجعه کردم به من گفتند باید به دوراهی قپان بروم درحالی‌که من پولم را در جام‌جم واریز کرده بودم. ساعت ۸ صبح راه افتادم و ساعت ۱۰/۳۰ که به مقصد رسیدم ۲۵۰ نفر برای گرفتن پول در صف بودند. آنجا نیز قبضی به من داده شد که سه روز دیگر بروم پولم را بگیرم. خواستم مسئولان مخابرات پاسخ دهند، که چرا برای دادن پول‌های مردم این همه آنها را اذیت می‌کنند. پولی را که چندماه بلااستفاده در حساب مخابرات بوده آیا نمی‌توانستند بدون زحمت و دردسر به مردم برگردانند؟

آئین‌نامه ابلاغ نشده

نزدیک به دو سال است که قانون بازنشستگی پیش از موعد جانبازان تصویب شده ولی متاسفانه آئین‌نامه اجرایی آن هنوز ابلاغ نشده است. از مسئولین امر می‌خواهیم هرچه سریع‌تر نسبت به اجرایی شدن این قانون اقدام کنند.

تشکر از موضع‌گیری مراجع

با سپاس از موضع‌گیری مراجع عظام در مورد حضور بانوان در ورزشگاه‌ها، مردم مسلمان ایران از حضور معظم بزرگان و علما انتظار دارد که همین حساسیت‌ها و موضع‌گیری‌ها را در سایر موارد خلاف عقل و شرع منجمله اشاعه مواد مخدر بین جوانان و گسترش مفاسد اقتصادی که بنیان نظام را در معرض خطر قرار می‌دهد نیز داشته باشند.

جوابیه

مدرسه در مالکیت بنیاد است

سلام علیکم

با احترام در خصوص مطلب چاپ شده در آن روزنامه با عنوان «جلوی حادثه را بگیرید» به تاریخ ۸۴/۱۲/۱۸ به اطلاع می‌رساند بعد از پیگیری روابط عمومی سازمان آموزش و پرورش مورد ذکر شده هیچ‌گونه ارتباطی با آموزش و پرورش منطقه ۲ شهر تهران ندارد و به صورت بلااستفاده در مالکیت بنیاد مستضعفان می‌باشد لازم به ذکر است مراتب به مراجع ذی‌صلاح شهری جهت اقدام اعلام گردیده است.